



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۲۷-۲۵۵

## میزان وام‌گیری حروف اضافه و ضمایر در کردی کله‌ری در افراد دوزبانه کرد-فارس زبان<sup>۱</sup> زینب حسینی<sup>۲</sup>، حبیب گوهری<sup>۳\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

### چکیده

تماس زبانی می‌تواند دارای پیامدهای بسیاری برای زبان‌های درگیر باشد. وام‌گیری واژگانی یا ساختاری یکی از پیامدهای تماس زبانی است که در آن عناصری از زبان غالب ممکن است وارد زبان پذیرا شوند. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان بهره‌گیری از حروف اضافه و ضمیرهای بومی یا وام‌واژه معادل فارسی آن‌ها در کردی کله‌ری است. برای گردآوری داده‌ها، از یک پرسشنامه (فهرست) محقق ساخته بهره گرفته شد تا روشن شود که گروه‌های مختلف تا چه اندازه از واژه‌های بومی یا وام‌واژه‌های فارسی بهره می‌گیرند. براساس متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات، افراد انتخاب شده به هشت گروه دسته‌بندی شدند: مردان/ زنان باسواد جوان، مردان/ زنان با سواد مسن، مردان/ زنان بی‌سواد جوان و مردان/ زنان بی‌سواد مسن. یافته‌های پژوهش نشان داد که در گروه‌های مختلف اجتماعی به‌طور متوسط بین ۷.۸۲ تا ۱۰ درصد از حروف اضافه بومی و بین ۰.۸ تا ۱۰ درصد از ضمیرهای کردی استفاده نموده‌اند. زنان جوان باسواد بیشترین میزان بهره‌گیری از حروف اضافه (۳.۱۷ درصد) و ضمیرهای غیربومی (۹۲.۱۲ درصد) را در بر داشتند. آزمون آماری مورد استفاده (آنالیز واریانس سه عاملی) نشان داد که دو عامل تحصیلات و سن (برخلاف جنسیت) هم به تنهایی و هم در تعامل با هم نقش معناداری در تنوعات مشاهده شده آن‌ها بر عهده دارند.

**واژه‌های کلیدی:** تماس زبانی، وام‌گیری، کردی کله‌ری، دوزبانه، حروف اضافه، ضمایر

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.43911.2296

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران؛

hosseini.zeinab@iaui.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)؛

Habib.Gowhari@iaui.ac.ir

## ۱. مقدمه

تماس زبانی<sup>۱</sup> می‌تواند دارای پیامدهای بسیاری برای زبان‌های درگیر باشد. وام‌گیری واژگانی یا ساختاری یکی از پیامدهای تماس زبانی است که در آن عناصر زبانی از زبان غالب<sup>۲</sup> ممکن است وارد زبان پذیرا<sup>۳</sup> یا زیرین<sup>۴</sup> شوند. در موقعیت تماس زبانی، عوامل زبانی و غیرزبانی گوناگونی می‌تواند منجر به تسریع یا انسداد وام‌گیری شود که در بخش پسین به آن‌ها پرداخته می‌شود. همه مقوله‌ها و عناصر زبانی به یک اندازه قابلیت وام‌گیری ندارند. پژوهشگرانی مانند میوسکن (Muysken, 1981) با تکیه بر میزان قابلیت وام‌گیری عناصر زبانی کوشیده‌اند تا سلسله‌مراتب وام‌گیری<sup>۵</sup> ارائه نماید که در آن میزان سهولت یا دشواری وام‌گیری عناصر زبانی مختلف مشخص باشد. یکی از عوامل زبانی دخیل در وام‌گیری، میزان پیوستگی و وابستگی آن عنصر زبانی در دستور زبان پذیرا است. به بیان دیگر، عبارت‌های نقشی و دستوری مانند حروف اضافه و ضمیرها در برابر وام‌گیری از خود مقاومت بیشتری بروز می‌دهند. با این حال، میزان تعامل و درگیری زبان غالب با زبان پذیرا و ماهیت ارتباط بین این دو نیز از جمله عواملی هستند که بر میزان وام‌گیری می‌توانند تأثیرگذار باشد. به طور کلی، وام‌گیری در زبان‌ها غالباً به خاطر پرکردن کمبودی در زبان پذیرا رخ می‌دهد، البته گاهی نگرش‌های اجتماعی نیز نقش دارند. یعنی با وجود نداشتن کمبود، هنوز هم ممکن است افرادی بنا بر برخی ملاحظات اجتماعی و غیرزبانی اقدام به استفاده از وام‌واژه معادل واژه بومی کنند. در جوامع چندزبانه مانند جامعه ایران، تماس زبانی و تغییرات ناشی از آن به‌ویژه به‌صورت وام‌گیری پدیده‌ای بسیار رایج است. پژوهش‌های فراوانی برای بررسی میزان وام‌گیری‌های غیرغالب ایرانی مانند کردی از زبان فارسی به‌عنوان زبان غالب سیاسی-اقتصادی-اجتماعی انجام گرفته‌است.

تماس زبانی یکی از موضوع‌های مهم در زبان‌شناسی نوین است که در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته‌است. تأثیر زبان‌های درگیر بر روی یک‌دیگر و ماهیت رابطه زبان غالب و زبان (زبان‌های) زیرین می‌تواند موضوع پژوهش‌های زبان‌شناسان باشد. یکی از پیامدهای مهم تماس زبانی وام‌گیری و تغییر واژگان و ساختار زبان‌های درگیر باشد که به‌ویژه این تأثیر بر روی زبان‌های زیرین می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در ساختار دستوری و واژگانی آن‌ها شود. بنابراین، انجام پژوهش در این حوزه می‌تواند میزان و کیفیت تأثیر زبان‌های درگیر بر روی هم

---

<sup>1</sup> language contact

<sup>2</sup> dominant language

<sup>3</sup> recipient

<sup>4</sup> substratum

<sup>5</sup> borrowing hierarchy

مشخص نماید. همچنین، انجام چنین پژوهشی می‌تواند از منظر آسیب‌شناسی زبان برای حفظ و بقای زبان‌های غیرغالب مانند زبان کردی دارای اهمیت باشد. ایزدی‌فر (Izadifar, 2016)، حیدری (Heidari, 2020) و گوهری و جمالی‌نصاری (Gowhary, & Jamali Nesari, 2020) از جمله پژوهشگرانی هستند که هر کدام در پژوهش‌هایی، تأثیر تماس زبانی بر روی حوزه‌های گوناگون مانند واژگان، صرف، واج و نحو زبان‌های پذیرا را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی نیز نگرش افراد زبان غیرغالب را نسبت به زبان غالب مورد بررسی قرار داده‌اند. فریدونی و زردی (Fereidoni & Zaedi, 2024) نشان دادند که متغیرهای جنسیت، سن و تحصیلات در شهر مهاباد تأثیری بر نگرش عاطفی کردزبانان دوزبانه نسبت به زبان فارسی معیار (زبان غالب) و زبان کردی نداشت. کردزبانان مهاباد نسبت به زبان فارسی معیار و زبان کردی نگرش مثبتی داشتند و تفاوت معناداری میان دو زبان مورد بررسی دیده نشد.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد تأثیر تماس زبانی بر روی مقوله‌های نقشی و دستوری مانند ضمیرها و حروف اضافه در دیگر زبان‌های ایرانی تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته‌است. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا موضوع وام‌گیری برخی عبارات نقشی و دستوری در کردی کلهری به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی کردی جنوبی مورد بررسی قرار دهد. به‌این‌منظور، دو مقوله دستوری ضمیرها و حروف اضافه در کردی کلهری مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا روشن شود تا چه میزان متأثر از زبان فارسی خواهند بود. اگرچه همان‌گونه که در مبحث‌های نظری بحث خواهد شد، مقوله‌های نقشی مانند ضمیرها و حروف اضافه در برابر وام‌گیری بسیار مقاوم هستند، ولی به سبب تماس زبانی شدید و دوزبانگی احتمال ورود این عناصر به زبان‌های زیرین وجود خواهد داشت. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان استفاده از حروف اضافه و ضمیرهای بومی یا وام‌واژه معادل فارسی آن‌ها در کردی کلهری است. به‌این‌منظور، در این پژوهش، از یک پرسشنامه (فهرست) محقق‌ساخته استفاده گردید تا روشن شود که گروه‌های مختلف به چه میزان از واژه‌های بومی یا وارداتی بهره می‌گیرند. این فهرست شامل ۳۵ گویه (واژه) است. ۱۱ حرف اضافه و ۲۴ ضمیر در زبان کردی مورد بررسی قرار گرفتند تا روشن شود آیا گویشوران از واژه بومی استفاده می‌کنند یا معادل آن از زبان فارسی. پس از اطمینان از اعتبار فهرست واژه‌های انتخاب‌شده، پژوهشگران خود داده‌ها را با استفاده از مصاحبه گردآوری نمودند. این فرایند با مصاحبه از افراد انجام پذیرفت. بر مبنای سه متغیر سن، سواد و جنسیت، افراد شرکت‌کننده به هشت گروه دسته‌بندی شدند: مردان/ زنان باسواد جوان، مردان/ زنان باسواد مسن، مردان/ زنان بی‌سواد جوان و مردان/ زنان بی‌سواد مسن. افراد شرکت‌کننده باسواد در این پژوهش

همگی دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و افراد گروه بی‌سواد شامل کسانی هستند که سواد خواندن و نوشتن ندارند، ولی می‌توانند فارسی را به‌صورت روان تکلم نمایند. افراد جوان شرکت‌کننده در پژوهش بین محدوده سنی ۲۰ تا ۳۵ سال و افراد مسن شرکت‌کننده بین ۵۰ تا ۷۰ سال بودند. برای شرکت در مصاحبه و پاسخ‌دادن به پرسش‌ها، از هر گروه ۱۰ نفر و روی هم‌رفته ۸۰ نفر به‌گویه‌های طراحی شده پاسخ دادند. افراد پاسخ‌دهنده از شهرستان ایوان در استان ایلام انتخاب شده‌اند و همگی به کردی کلهری (به‌عنوان زبان مادری) سخن می‌گفتند و با این وجود این افراد کاملاً به زبان فارسی تسلط دارند. به‌صورت روزمره، هر کدام از این افراد فارسی و کردی را به‌صورت تکمیلی در موقعیت‌های گوناگون به کار می‌بردند و بنابراین دوزبانه فعال به‌شمار می‌آیند. روش کار به این ترتیب بود که برای هر واژه چندین بافت در نظر گرفته می‌شد و از افراد خواسته می‌شد تا واژه مورد نظر (بومی یا معادل فارسی آن) را در آن‌جا انتخاب نمایند. گاهی دیده می‌شد که یک‌گوشور در برخی موقعیت‌ها از واژه کردی و در برخی موقعیت‌های دیگر از وام‌واژه فارسی معادل آن بهره می‌برد. در چنین مواقعی، فراوانی واژه مورد استفاده از جانب فرد تعیین‌کننده حالت غالب قلمداد می‌شد. از سوی دیگر، تلاش می‌شد که انتخاب (از بین واژه کردی یا فارسی) در حالت بی‌نشان و عادی مبنای پژوهش حاضر قرار بگیرد. پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار آماری اسپاس (نسخه ۲۳)، داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. آنالیز واریانس سه‌عاملی به کار گرفته شد تا رابطه بین متغیر وابسته پژوهش (انتخاب واژه کردی یا معادل فارسی آن) با متغیرهای مستقل پژوهش یعنی سن، جنسیت، و سطح تحصیلات مشخص گردد.

## ۲. چارچوب نظری

پژوهشگران در پهنه تماس زبانی غالباً معتقد به وجود دو مقوله کلی در تغییر زبانی هستند. برخی تغییرات زبانی ناشی از وام‌گیری عناصر زبان غالب هستند و برخی تغییرات دیگر را می‌توان به تداخل<sup>۱</sup>، انتقال<sup>۲</sup> و تاثیر زبان زیرین<sup>۳</sup> نسبت داد (Winford, 2010). این دو فرایند کاملاً از هم متمایز هستند و در موقعیت‌های متفاوتی رخ می‌دهند. وام‌گیری در ارتباط با موضوع حفظ زبانی<sup>۴</sup> اهمیت پیدا می‌کند. توماسن و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988) وام‌گیری را انضمام ویژگی‌های زبان دیگر در زبان بومی به‌وسیله گویشوران زبان تعریف می‌کنند. کمیت و کیفیت

<sup>1</sup> interference

<sup>2</sup> transfer

<sup>3</sup> substratum influence

<sup>4</sup> language maintenance

وام‌گیری می‌تواند دارای پیامدهای مهم برای زبان‌پذیرا باشد. از سوی دیگر، وینفورد (Winford, 2010) تداخل را عمدتاً مرتبط با فراگیری زبان دوم قلمداد می‌کند و آن را تأثیر برخی ویژگی‌های زبان اول در زبان(های) بعدی می‌داند که شخص در حال فراگیری آن‌ها است. کوتسم (Van Coetsem, 2000) نیز چارچوبی روشن از تغییرات زبانی ناشی از تماس زبانی ارائه می‌نماید که ایشان نیز معتقد به تمایز دوگانه بین وام‌گیری و تداخل است. ولی ایشان از اصطلاح تحمیل<sup>۱</sup> برای اشاره به تداخل بهره می‌گیرد که کم‌وبیش همان معنای تأثیر زبان زیرین و تداخل از آن برداشت می‌شود. در چارچوب کوتسم (Van Coetsem, 2000) اصطلاح تحمیل دارای مفهومی خنثی است که برای اشاره به هر نوع تأثیر بین زبانی به کار گرفته می‌شود. هم در وام‌گیری و هم در تحمیل، دو زبان مبدأ<sup>۲</sup> و مقصد<sup>۳</sup> با هم در ارتباط هستند. برای انتقال مواد و ویژگی‌های زبانی همیشه از سوی زبان مبدأ به سمت زبان مقصد یا پذیرا است. ولی عامل انتقال یا گویشور زبان پذیرا است یا گویشور زبان مبداء (زبان غالب). در صورت عاملیت<sup>۴</sup> گویشور زبان پذیرا، ما با فرایند وام‌گیری روبه‌رو هستیم و در صورت عاملیت گویشور زبان مبدأ، ما با موضوع تحمیل روبه‌رو هستیم. برای روشن شدن موضوع باید افزود که اگر گویشور زبان پذیرا عامل باشد، انتقال مواد زبانی (واژگانی و ساختاری) از زبان غالب به زبان پذیرا وام‌گیری قلمداد می‌شود و این به معنای عاملیت زبان پذیرا است. برای نمونه، اگر فردی کردزبان از واژه‌ها یا برخی ساخت‌های فارسی در کردی استفاده می‌نماید، ما با وام‌گیری روبه‌رو هستیم. در مقابل، در تحمیل، گویشور زبان مبدأ عامل است، برای نمونه، وقتی یک گویشور زبان کردی هنگام سخن گفتن به زبان فارسی (در این جا زبان مبدأ)، از برخی از ویژگی‌های زبان زیرین (زبان کردی) بهره می‌گیرد. به باور کوتسم (Van Coetsem, 2000) تمایز بین وام‌گیری و تحمیل اساساً به مفهوم زبان-روانشناختی تسلط زبانی مرتبط است. از جنبه زبانی، فرد دو زبانه در زبانی غالب است که در آن تسلط بیشتری دارد که لزوماً زبان مادری ایشان نیست. در فرایند وام‌گیری، مواد زبانی از زبان مبدأ با زبان غیرغالب<sup>۵</sup> وارد زبان پذیرا می‌شوند، درحالی که گویشوران زبان پذیرا نقش عاملیت دارند.

<sup>1</sup> imposition

<sup>2</sup> Source language

<sup>3</sup> recipient language

<sup>4</sup> agentivity

<sup>۵</sup> در پیشینه موضوع تماس زبانی، اغلب منظور از زبان غالب زبانی است که عناصر آن وارد دیگر زبان می‌گردد و زبان پذیرا یا غیرغالب نیز زبانی است که عاصر زبانی را وام می‌گیرد. ولی در این جا منظور از زبان غالب، زبان غالب شخص در افراد دوزبانه است که همان زبانی است که او در آن تسلط بیشتری دارد که البته لزوماً زبان بومی نیست. بنابراین مفهوم تسلط (غالب‌بودن) زبانی از تسلط اجتماعی متفاوت است. زبان غالب اجتماعی زبانی است که از

وام‌گیری معمولاً در حوزه واژه‌ها انجام می‌گیرد، هر چند برخی مقوله‌های نقشی و ساختاری نیز ممکن است وارد زبان پذیرا شوند. در تحمیل، گویشور زبان، هنگام سخن گفتن به زبانی که در آن تسلط کمتری دارد ممکن است برخی از ویژگی‌های زبان مبدأ (زبان مادری) را به صورت ناخودآگاه وارد زبان پذیرا نماید.

همچنان که اشاره شد، در فرایند وام‌گیری، گویشور زبان پذیرا عامل انتقال برخی واژه‌ها و ویژگی‌های زبان غالب به شمار می‌آید. کوتسم (Van Coetsem, 1988) کمیت و کیفیت وام‌گیری را به یک عامل مهم دیگر مرتبط می‌داند که او درجه‌بندی ثبات زبانی<sup>۱</sup> می‌نامد. منظور کوتسم از این عبارت این است که برخی حوزه‌های زبانی نسبت به تغییر و وام‌گیری مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. از دید وی، وام‌گیری در حوزه صداها، عناصر تصریفی و برخی جنبه‌های نحوی و معنایی در برابر وام‌گیری نسبت به برخی جنبه‌های دیگر مانند واژگان، اشتقاق، برخی تکواژهای نقشی از خود مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. بی‌گمان عناصر ساختاری مانند ویژگی‌های صرفی و واجی نیز می‌توانند بر اثر تماس از زبانی وارد زبان دیگر شوند. ولی، در مقایسه با وام‌گیری واژگانی، شرایط وام‌گیری ساختاری دارای محدودیت‌های جدی است. با وجود محدودیت‌ها در انتقال عناصر نقشی و دستوری، وینفورد (Winford, 2010) بر این باور است که نه تنها عناصر نقشی قابل انتقال از زبانی به زبان دیگر هستند، بلکه برخی تکواژهای نقشی آزاد مانند عبارت‌های ربطی، حروف اضافه، ضمیرها و حتی متمم‌نماها به آسانی قابلیت انتقال دارند. او نمونه‌های فراوانی از انتقال این عناصر نقش‌نما از زبان انگلیسی و اسپانیایی به زبان‌های بومی آمریکا به عنوان شاهد ارائه نموده است. اگرچه تکواژهای نقشی آزاد می‌توانند همانند دیگر مقوله‌های واژگانی وام گرفته شوند، ولی به سبب اینکه متعلق به مجموعه‌های بسته هستند، احتمال انتقال آن‌ها در تماس بین زبان‌ها کم می‌شود. تعلق مقوله‌های زبانی به مجموعه‌های باز یا بسته می‌تواند بر روی میزان وام‌گیری آن‌ها تأثیرگذار باشد. میوسکن (Muysken, 1981) سلسله‌مراتب وام‌گیری را بر این اساس پیشنهاد نموده است که هنوز هم در آثار پژوهشی مورد استناد

---

دیدگاه سیاسی یا اجتماعی یا اقتصادی از بقیه زبان‌های کشور وضعیت بهتری دارد. بنابراین، زبان غالب اجتماعی ممکن است زبان مسلط یا غالب افراد باشد یا نباشد. بر این اساس، برای وام‌گیری می‌تواند از طرف زبان غالب اجتماعی به سمت زبان زیرین (subordinate) غیر غالب باشد و برعکس. موضوع دیگر این است که مفهوم تسلط می‌تواند در طول زمان هم در افراد و هم در جامعه تغییر نماید. برای فهم درست تغییرات زبانی ناشی از تماس زبانی، لازم است مفهوم تسلط زبانی (هم در فرد و هم در جامعه) به درستی تبیین گردد. برای پرهیز از ابهام و سوء برداشت، زبانی که فرد در آن تسلط بیشتری دارد را زبان مسلط و زبانی که برتری اجتماعی داشته و عناصر آن وارد زبان پذیرا می‌شوند را زبان غالب می‌نامیم.

<sup>1</sup> stability gradient of language

قرار می گیرد:

اسم < صفت < فعل < حرف اضافه < حروف ربط همپایه ساز < کمیت نما < مشخصه گر < ضمائر منفصل < ضمائر واژه بستی < حروف ربط وابسته ساز

ترتیب عناصر مورد بررسی در موقعیت ها و پژوهش های گوناگون دقیقاً یکسان نیست، ولی خطوط اصلی این سلسله مراتب کم و بیش تأیید شده است (Winford, 2010). اگرچه وام گیری عناصر پائین در سلسله مراتب مانند تکواژهای تصریفی و دستوری دارای محدودیت های شدیدی است، ولی نمونه های فراوانی در پژوهش های انجام شده مشاهده شده است. ورود فراوان واژه های مشتق فرانسوی به زبان انگلیسی در قرون وسطی سبب ورود تکواژهای اشتقاقی فراوانی شد که کم کم با واژه های با ریشه انگلیسی نیز به کار می رفتند و به این ترتیب آنها وارد فرایندهای واژه سازی در زبان انگلیسی شدند. همانند وام گیری در حوزه تکواژهای اشتقاقی، وینفورد (Winford, 2010) نمونه هایی از وام گیری در حوزه تصریف در زبان های مختلف را به عنوان شاهد ارائه می نماید، اگرچه به باور وی، میزان وام گیری زبان ها در حوزه تصریف به مراتب کمتر از دیگر حوزه هاست. در این جا هم لازمه ورود تکواژهای تصریفی، وام گیری واژگانی است، یعنی واژه ها همراه با پایانه های تصریفی آنها گاهی با هم وارد زبان پذیرا می شوند. نمونه های فراوانی از ورود نشانه های جمع یونانی و لاتین به زبان انگلیسی را می توان به عنوان شاهد مورد استناد قرار داد. همچنین، وام گیری صورت های جمع عربی در زبان فارسی نیز نمونه ای دیگر از وام گیری نشانه های تصریفی است.

وام گیری صورت های زبانی می تواند متأثر از عوامل اجتماعی باشد. وینفورد (Winford, 2010) عامل اجتماعی پرستیژ و نیاز زبانی را در وام گیری دخیل می داند. گاهی نیاز زبانی یا کمبودی در زبان پذیرا عاملی است که وام گیری را آسان می نماید. در این صورت، زبان هایی که با هم تماس دارند بدون توجه به غالب بودن یا نبودن از هم دیگر وام می گیرند. پیشرفت های علمی و فناوری نیز می تواند عامل سهولت کننده دیگری در وام گیری باشد، به ویژه اگر زبان پذیرا از مرکز حمایتی مانند فرهنگستان زبان برخوردار نباشد. زبان های بومی در رویارویی با هزاران واژه علمی جدید هیچ راهی به جز وام گیری از زبان غالب ندارند تا کمبودهای فراوان واژگانی را پر نمایند. در زبان های بومی ایرانی شاهد وام گیری این گونه واژه ها برای پُر نمودن حلاء های واژگانی هستیم (Izadifar, 2016؛ Heidari, 2020؛ Gowhary, & Jamali Nesari, 2020). همچنان که اشاره شد، دلیل های وام گیری بسیار گوناگون هستند و فقط حلاء واژگانی تنها دلیل آن نیست. از دیدگاه اجتماعی، گویشوران زبان های بومی، حتی با وجود واژگان مناسب در زبان خود، تمایل دارند از واژگان زبان غالب برای نشان دادن پرستیژ اجتماعی

بهره ببرند (Winford, 2010). افزون‌بر دو عامل خلاء واژگانی و پرستیژ، عامل‌های دیگری نیز می‌توان برای وام‌گیری برشمرد. وینفورد (Winford, 2010) الگوی تعامل اجتماعی بین گروه‌ها، میزان دوزبانگی در جامعه، روابط قدرت، طبقه اجتماعی، زمینه تحصیلی و نگرش اجتماعی گویشوران به زبان‌های مورد استفاده را برخی از این عوامل انگاشته‌است. افزون‌بر عوامل مورد اشاره، وینفورد وفاداری زبانی<sup>۱</sup> و ایدئولوژی زبانی<sup>۲</sup> را در بین گویشوران یک زبان دو‌عاملی در نظر گرفته‌است که منجر به مقاومت در برابر ورود واژه‌های بیگانه می‌شود. حتی در برخی جوامع شاهد وضع قانون برای نگهداری از پاکی زبان هستیم. برای نمونه، دولت فرانسه برای مقابله با ورود واژگان انگلیسی قوانینی وضع نموده‌است تا پاکی این زبان خدشه‌دار نشود. در نظر گرفتن زبان به‌عنوان یک عامل هویت‌بخش سبب شده‌است که گویشوران در برخی جوامع به‌صورت آشکار و عامدانه زبان بومی خود را برای نشان دادن زمینه قومی خود مورد تأکید قرار می‌دهند (Winford, 2010).

تاکنون، روی عوامل غیرزبانی دخیل در وام‌گیری تأکید شد، ولی برخی عوامل زبانی نیز می‌توانند وام‌گیری را آسان یا مسدود نمایند. هم‌راستا با اصل سلسله‌مراتبی وام‌گیری (Muysken, 1988)، می‌توان به‌سادگی فهمید که وام‌گیری در مقوله‌های واژگانی باز مانند اسم، صفت و فعل نسبت به مقوله‌های واژگانی بسته مانند حروف اضافه، ضمیرها، متمم‌ها و موارد مشابه بسیار رایج‌تر است. پیوستگی ساختاری مقوله‌های بسته سبب می‌شود که وام‌گیری آن‌ها به‌سختی انجام شود (Winford, 2010). وینفورد فاصله رده‌شناختی<sup>۳</sup> زبان‌های در تماس را عامل دیگری در نظر می‌گیرد که ممکن است سبب آسان‌شدن یا انسداد وام‌گیری شود. براین اساس، زبان‌هایی که از جنبه رده‌شناختی به هم نزدیک هستند بیشتر از هم‌دیگر وام می‌گیرند در مقایسه با زبان‌هایی که از جنبه رده‌شناختی هم‌خانواده نیستند. افزون‌بر آن چه گفته شد، وینفورد (Winford, 2010) عامل پیچیدگی صرفی<sup>۴</sup> در برخی اقلام زبانی را عامل زبانی دیگری می‌داند که ممکن است فرایند وام‌گیری را با مقاومت روبه‌رو سازد. براین اساس، او پیچیدگی صرفی فعل و مقوله‌های نقشی را نسبت به اسم بالاتر ارزیابی می‌نماید و به‌همین سبب وام‌گیری مقوله‌های نقشی سخت‌تر انجام می‌پذیرد. در پایان، قابلیت انطباق<sup>۵</sup> یا انضمام<sup>۶</sup> عناصر در زبان پذیرا نیز می‌تواند سبب آسان‌شدن وام‌گیری آن عناصر شود. براین اساس، واژه‌های نقشی قابلیت انطباق کمتری نسبت به مقوله‌های

<sup>1</sup> language loyalty

<sup>2</sup> language ideology

<sup>3</sup> typological distance

<sup>4</sup> morphological complexity

<sup>5</sup> congruence

<sup>6</sup> incorporation



واژگانی مانند اسم برای وام‌گیری از خود نشان می‌دهند.

عامل مهمی که می‌تواند منجر به انتقال عناصر ساختاری و دستوری به زبان دیگر شود میزان تماس و تعامل زیاد بین دو زبان درگیر باشد. توماسن و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988) بیان می‌کنند در دو موقعیت ارتباطی احتمال وام‌گیری ساختاری شدید مطرح است. در موقعیت اول جایی است که زبانی همهٔ دستور زبان دیگر را به کار می‌گیرد، درحالی‌که بیشتر واژگان بومی خود را حفظ می‌نماید. نتیجه این وام‌گیری ساختاری شدید تولید زبانی آمیخته<sup>۱</sup> است که از جنبهٔ ساختاری وابسته به زبان غالب و از جنبهٔ واژگانی وابسته به زبان زیرین یا بومی است. حالت دوم هنگامی رخ می‌دهد که به‌سبب تماس بلندمدت بین دو زبان، زبان زیرین کم‌کم در همهٔ ابعاد ساختاری با زبان غالب منطبق شده و ساختاری مشابه آن زبان پیدا می‌کند. برای هر یک از این دو حالت، توماسن و کافمن نمونه‌های بسیاری ارائه نموده‌است. در تکمیل حالت دوم، توماسن و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988) می‌افزایند که زبان غالب از جنبهٔ سیاسی-اقتصادی-اجتماعی فشار زیادی را در طول یک مدت زمان طولانی بر روی زبان بومی یا زیرین وارد می‌نماید. در چنین شرایطی دامنه گوناگونی از عناصر ساختاری (واجی، صرفی و نحوی) زبان غالب وارد زبان زیرین می‌گردد. بررسی دقیق چنین زبان‌هایی نشان می‌دهد که این میزان از وام‌گیری در بیشتر موارد در موقعیتی رخ می‌دهد که افراد زبان‌پذیرا همگی دوزبانه صرف هستند و بنابراین، توماسن و کافمن (همان) دوزبانه‌بودن را پیش شرط وام‌گیری ساختاری شدید فرض می‌نمایند.

### ۳. تحلیل داده‌ها

#### ۳-۱. حروف اضافه

یکی از هدف‌های پژوهش حاضر یافتن تأثیر متغیرهای جنسیت، تحصیلات و سن افراد بر روی میزان و چگونگی بهره‌گیری از حروف اضافه کردی (یا وام‌واژه فارسی معادل آن‌ها) در کردی کلهری است. در این بخش، یازده حرف اضافه پرکاربرد در کردی کلهری مورد بررسی قرار می‌گیرد:

«له [læ] (از)؛ ول [wæl] (همراه)؛ ارا [əra] (برای)؛ وه [wæ] (از/به)؛ په [pe] (به)؛ ناو [naw] (داخل)؛ ورو [wəro] (به‌طرف)؛ بان [ban] (روی)؛ ژیر [ʒer] (زیر)؛ ور [wær] (مقابل)؛ خوار [xwar] (پایین)»

<sup>1</sup> mixed language

جدول (۱) آمار توصیفی گروه‌های مختلف را در ارتباط با میزان بهره‌گیری از حروف اضافه کردی یا معادل فارسی آن‌ها نشان می‌دهد.

**جدول ۱: میانگین و انحراف معیار عملکرد افراد در میزان کاربرد «حروف اضافه بومی» در کردی کلهری**

انحراف معیار	میانگین (درصد) (حروف اضافه بومی)	تعداد	سن	تحصیلات	جنسیت
7.48430	88.1818	۱۰	۳۰-۲۰	باسواد	مردان
7.95995	90.0000	۱۰	۷۰-۵۰		
7.57735	89.0909	۲۰	مجموع		
4.39133	97.2727	۱۰	۳۵-۲۰	بی‌سواد	
.00000	100.0000	۱۰	۷۰-۵۰		
3.33043	98.6364	۲۰	مجموع		
15.71673	82.7273	۱۰	۳۵-۲۰	باسواد	زنان
9.38905	92.7273	۱۰	۷۰-۵۰		
13.60443	87.7273	۲۰	مجموع		
.00000	100.0000	۱۰	۳۵-۲۰	بی‌سواد	
.00000	100.0000	۱۰	۷۰-۵۰		
.00000	100.0000	۲۰	مجموع		

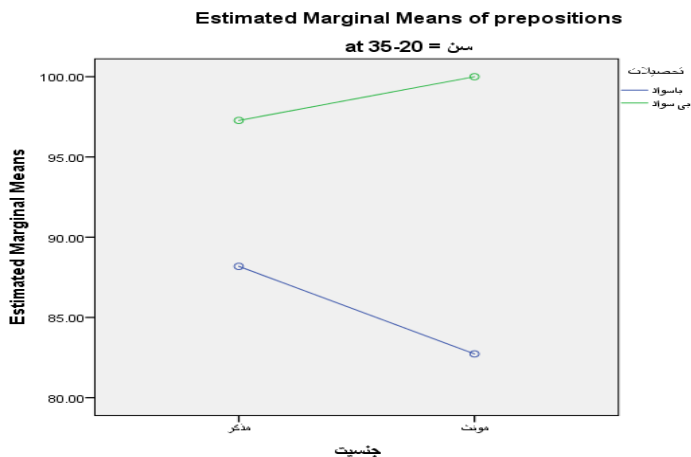
جدول بالا نشان می‌دهد که در همه گروه‌ها شاهد به کارگیری میزان بسیار بالایی از حروف اضافه کردی هستیم. بیشترین میزان بهره‌گیری از حروف اضافه از آن مردان بی‌سواد مسن و زنان بی‌سواد (هم جوان و هم مسن) است. در این سه گروه، در همه موارد (صددرصد) این افراد حرف اضافه کردی را به کار برده‌اند. به‌همین ترتیب، زنان باسواد جوان با میانگین ۸۲/۷۲ درصد نسبت به بقیه گروه‌ها از میزان کمتری از حروف اضافه کردی استفاده نموده‌اند. نکته مهم دیگر این است که به‌طور کلی، مردان و زنان بی‌سواد از مردان و زنان باسواد از حروف اضافه کردی بیشتری بهره گرفته‌اند. جدول (۲) نشان می‌دهد که جنسیت عامل بسیار تأثیرگذاری در بهره‌گیری از حروف اضافه در کردی کلهری به شمار نمی‌آید ( $P= 1.000$ )، ولی دو عامل تحصیلات ( $P= .000$ ) و سن ( $P= .038$ ) متغیرهای مهمی هستند که منجر به تفاوت‌های معنادار آماری بین افراد شده‌اند.

جدول ۲: آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌عاملی برای حروف اضافه<sup>۱</sup>

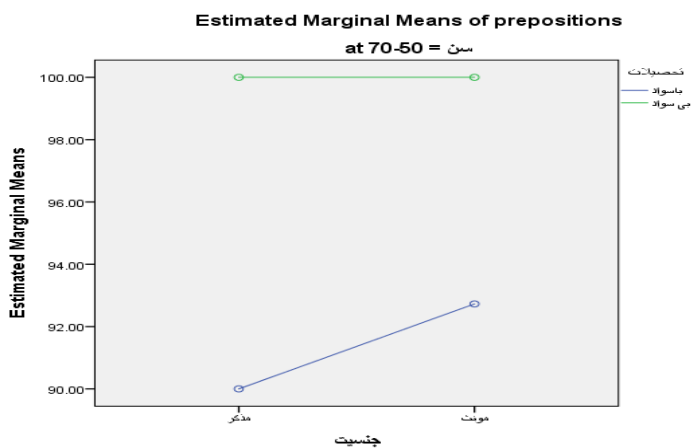
منبع	نوع ۳ (مجموع مربعات)	درجه آزادی	نمره میانگین	فراوانی	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	2971.074 <sup>a</sup>	7	424.439	7.166	.000
عرض از مبدا	704830.579	1	704830.579	11900.163	.000
جنسیت	.000	1	.000	.000	1.000
تحصیلات	2380.165	1	2380.165	40.186	.000
سن	264.463	1	264.463	4.465	.038
جنسیت* تحصیلات	37.190	1	37.190	.628	.431
جنسیت* سن	37.190	1	37.190	.628	.431
تحصیلات* سن	103.306	1	103.306	1.744	.191
جنسیت* تحصیلات* سن	148.760	1	148.760	2.512	.117
خطا	4264.463	72	59.229		
مجموع	712066.116	80			
مجموع تصحیح شده	7235.537	79			

نمودارهای (۱) و (۲) تفاوت‌های بین گروه‌های مختلف را به ترتیب در سنین ۲۰-۳۵ سال و ۵۰-۷۰ سال نشان می‌دهند. این دو نمودار به‌ویژه میزان تأثیرگذاری جنسیت را در تنوعات برآمده از چگونگی و میزان به‌کارگیری حروف اضافه در کردی کلهری به‌وسیله هشت گروه مقصد نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> a. ضریب تعیین = .۴۱۱ (ضریب تعیین تطبیق شده = .۳۵۳)



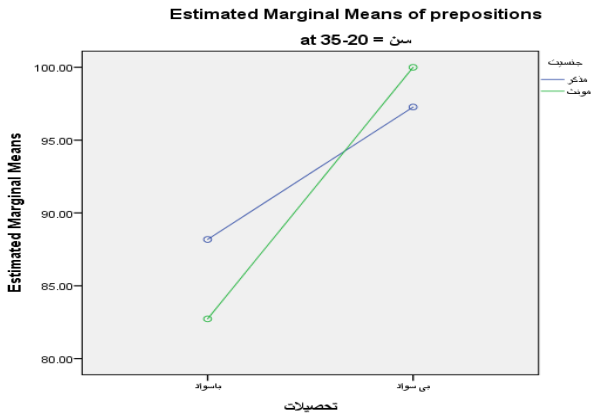
شکل ۱: مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد و بی‌سواد) جوان در میزان کاربرد حروف اضافه کردی کلهری



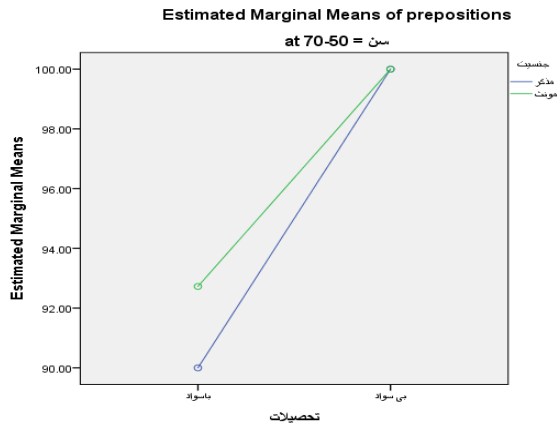
شکل ۲: مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد و بی‌سواد) مسن در میزان کاربرد حروف اضافه کردی کلهری

در هر دو نمودار دیده می‌شود که افراد بی‌سواد نسبت به افراد باسواد از حروف اضافه کردی بیشتری بهره گرفته‌اند. با مقایسه مردان و زنان باسواد جوان (نمودار ۱) روشن است که مردان جوان باسواد از همتایان زن خود میزان بیشتری از حروف اضافه کردی را به کار گرفته‌اند، ولی همچنان که در نمودار (۲) دیده می‌شود در مورد افراد مسن (بین سنین ۵۰-۷۰) مردان باسواد مسن نسبت به زنان باسواد مسن از میزان کمتری از حروف اضافه کردی بهره گرفته‌اند. البته همان‌گونه که اشاره شد، جدول (۲) نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها بین مردان و زنان از جنبه آماری معنادار به

شمار نمی آید ( $P= 1.000$ ). به بیان دیگر، آزمون آماری تحلیل واریانس تأیید می کند که عامل جنسیت در ارتباط با میزان به کارگیری حروف اضافه در کردی و فارسی عامل بسیار مؤثری در مقایسه با دو عامل سن و تحصیلات نیست. همین جدول نشان می دهد که هرگاه عامل جنسیت در تعامل با این دو عامل قرار دارد نیز یافته های به دست آمده از جنبه آماری معنادار نیستند. بنابراین، باید در پی توجیه گوناگونی های موجود در چگونگی به کارگیری حروف اضافه در افراد مشارکت کننده در متغیرهایی مانند تحصیلات و سن باشیم. در دو نمودار (۳) و (۴)، کوشیدیم تا تأثیرگذاری عامل تحصیلات را در این زمینه نشان دهیم.

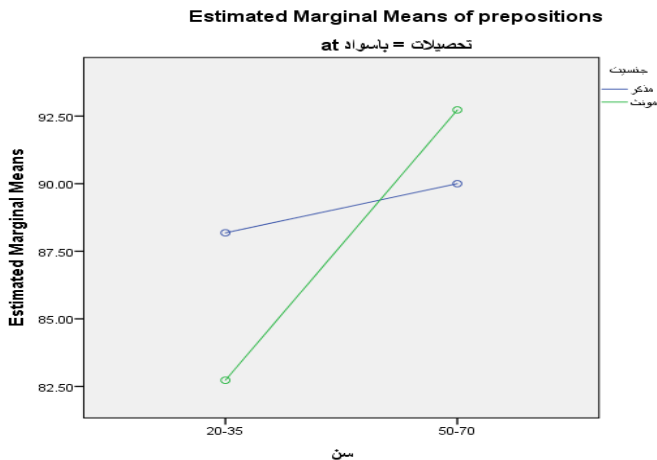


شکل ۳: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد و بی سواد جوان در میزان کاربرد حروف اضافه کردی کلهری

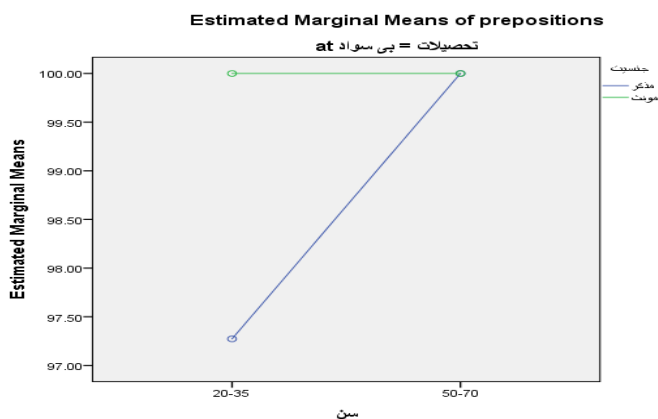


شکل ۴: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد و بی سواد مسن در میزان کاربرد حروف اضافه کردی کلهری

در مقایسه با نمودارهای پیشین، شیب تاندازه تند خطوط بیانگر تفاوت تاندازه بسیار میان عملکرد افراد باسواد و بی‌سواد است. نمودار (۳) نشان می‌دهد که زنان باسواد کمترین و زنان بی‌سواد بیشترین میزان بهره‌گیری از حروف اضافه بومی را داشته‌اند. نکته دیگر این است که در همین نمودار، مردان باسواد (جوان) از زنان باسواد (جوان) بیشتر از حروف اضافه بومی استفاده نموده‌اند، در حالی که مردان بی‌سواد (جوان) از زنان بی‌سواد (جوان) کمتر حروف اضافه را به کار برده‌اند. توجه زنان جوان باسواد به جنبه‌های اجتماعی زبان و تأثیرپذیری آن‌ها از زبان غالب را شاید دلیل استفاده بیشتر آن‌ها از برخی عناصر زبان غالب (در این جا حروف اضافه) باشد. در مورد مردان جوان بی‌سواد هم شاید حضور اجتماعی بیشتر آن‌ها در تعاملات روزمره سبب شده باشد که نسبت به زنان بی‌سواد اندکی بیشتر متأثر از زبان فارسی باشند. زنان بی‌سواد در متن جامعه حضور کمتری دارند و همین عامل دلیلی است که آن‌ها از عناصر زبان غالب (فارسی) کمتر بهره می‌گیرند. تحلیل واریانس به کاررفته در جدول (۲) نشان می‌دهد که تحصیلات نقش مهمی در تنوع‌های موجود در چگونگی و میزان به کارگیری حروف اضافه به وسیله هشت گروه مقصد بازی می‌کند ( $P= .000$ ). اگرچه، این عامل در تعامل با دو جنسیت و سن نیز منجر به تفاوت معنادار نشده است ( $P= .491$  ,  $P= .191$ ).



شکل ۵: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن باسواد در میزان کاربرد حروف اضافه کردی کلهری



شکل ۶: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن بی سواد در میزان استفاده از حروف اضافه کردی کلهری

نمودار (۵) نشان می‌دهد که تفاوت بین زنان (باسواد) جوان و مسن نسبت به مردان (با سواد) جوان و مسن به مراتب بیشتر است. نکته قابل توجه دیگر این است که زنان جوان باسواد (همچنان که قابل پیش‌بینی است) نسبت به مردان باسواد جوان از میزان کمتری از حروف اضافه بهره گرفته‌اند. ولی، این موضوع در مورد هم‌تایان مسن آن‌ها کارایی ندارد. به بیان دیگر، مردان باسواد مسن، نسبت به زنان با سواد مسن از حروف اضافه کردی کمتری بهره برده‌اند.

نمودار (۶) نشان می‌دهد که بین مردان (بی سواد) جوان و مسن از جنبه میزان به کارگیری حروف اضافه کردی تفاوت اساسی دیده می‌شود. مردان جوان (بی سواد) به مراتب از میزان کمتری از مردان بی سواد مسن از حروف اضافه کردی بهره گرفته‌اند. ولی این تفاوت در زنان بی سواد جوان و مسن وجود ندارد. بنابراین با مقایسه دو نمودار بالا، روشن است که اولاً تفاوت بین زنان باسواد جوان و مسن نسبت به هم‌تایان بی سواد خود از جنبه به کارگیری حروف اضافه بسیار بالا است. همین مقایسه در مردان نشان می‌دهد که تفاوت بین مردان باسواد جوان و مسن نسبت به مردان بی سواد جوان و مسن به مراتب کمتر است. تحلیل واریانس (جدول ۲) نشان می‌دهد که تأثیر عامل سن در تنوع‌های موجود در ارتباط با چگونگی و میزان بهره‌گیری از حروف اضافه در کردی کلهری از جنبه آماری معنادار است، زیرا ارزش به دست آمده از (05). کمتر است (P= .038).

### ۳-۲. یافته‌های مربوط به ضمیرها

مقوله نقشی و بسته دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد ضمیر است. براین اساس، بررسی تأثیر متغیرهای جنسیت، تحصیلات و سن افراد بر روی میزان و چگونگی بهره‌گیری از گونه‌های مختلف ضمیرهای بومی (یا وام‌واژه فارسی معادل آن‌ها) در کردی کلهری هدف دیگر پژوهش حاضر است. ضمیرها جزء سازه‌های بنیادین هر زبانی به شمار می‌آیند و هر زبانی مجموعه‌ای از انواع ضمیرها برای ارجاع دارد. به همین سبب، در پژوهش حاضر گونه‌های مختلف ضمیرهای شخصی، مبهم، اشاره و پرسشی در پرسشنامه در نظر گرفته شدند تا روشن شود که گروه‌های هشت‌گانه مورد بررسی چگونه و به چه میزانی از ضمیرهای کردی در تعاملات روزمره خود بهره می‌برند. برخی از گونه‌های مختلف ضمیرهای مورد پرسش مشتمل بر موارد زیرند:

**شخصی:** مه [mæ] (من)؛ ته [tə] (تو)؛ ایو [əw] (او)؛ ایمه [eimæ] (ما)؛ ایوه [əwæ] (شما)؛  
اوان [əwan] (آن‌ها)

**مبهم:** هیچگه [hichgæ] (هیچکس)؛ به ری [bərē] (تعدادی)؛ قیری [qeirē] (تعدادی)؛ هر که [hærkæ] (هر کس)؛ اوه که [owækə] (کسی که)؛ هر دگه [hærdæg] (هر دو)؛ گشته [gəštē] (همه)

**اشاره:** یه [yə] (این)؛ اوه [əwæ] (آن)؛ یانه [yanæ] (این‌ها)؛ اوانه [əwanæ] (آن‌ها)

**پرسشی:** چپو [chü] (چطور)؛ ارا [əra] (چرا)؛ کی [kei] (چه زمان)؛ کو [ku] (کجا)؛ کی [ki] (چه کسی)؛ هن کی [hənəki] (مال کی)؛ چوه [chwæ] (چی)

جدول (۳) آمار توصیفی به دست آمده از افراد مصاحبه‌شونده در ارتباط با میزان بهره‌گیری از این ضمیرها را در کردی کلهری نشان می‌دهد.

**جدول ۳: میانگین و انحراف معیار عملکرد افراد در میزان کاربرد «ضمائر بومی» در کردی**

#### کلهری

انحراف معیار	میانگین (درصد) (ضمائر بومی)	تعداد	سن	تحصیلات	جنسیت
9.65700	80.8696	۱۰	۳۰-۲۰	باسواد	مردان
9.34755	86.0870	۱۰	۷۰-۵۰		
9.62949	83.4783	۲۰	مجموع		
1.37490	99.5652	۱۰	۳۵-۲۰	بی‌سواد	
.00000	100.0000	۱۰	۷۰-۵۰		
.97220	99.7826	۲۰	مجموع		



انحراف معیار	میانگین (درصد) (ضمانت بومی)	تعداد	سن	تحصیلات	جنسیت
4.69619	76.0870	۱۰	۳۵-۲۰	باسواد	زنان
7.61387	87.8261	۱۰	۷۰-۵۰		
8.61230	81.9565	۲۰	مجموع		
3.04003	98.2609	۱۰	۳۵-۲۰	بی سواد	
.00000	100.0000	۱۰	۷۰-۵۰		
2.27456	99.1304	۲۰	مجموع		

این جدول نشان می‌دهد که مردان باسواد جوان و مسن به ترتیب ۸۷، ۸۰ و ۸۶ درصد از ضمیرهای کردی در تعاملات زبانی روزمره خود بهره می‌گیرند. همان‌گونه که قابل پیش‌بینی است در مردان بی‌سواد جوان و مسن احتمال استفاده از ضمیرهای فارسی بسیار نامحتمل است. به این ترتیب، این افراد به ترتیب در ۵۶، ۹۹ و ۱۰۰ درصد از موارد از ضمیرهای زبان کردی (کلهری) بهره گرفته‌اند تا به فرد یا چیز مورد نظر ارجاع دهند. با اندکی تغییر در زنان نیز شاهد الگوی تقریباً مشابهی با مردان هستیم. زنان باسواد جوان و مسن به ترتیب در ۷۶، ۸۲ و ۸۷ درصد از موارد از ضمیرهای بومی استفاده نموده‌اند که میزان بسیار بالایی به شمار می‌آید. این میزان در زنان بی‌سواد جوان و مسن به ترتیب ۲۶، ۹۸ و ۱۰۰ درصد بوده است. جدول (۴) نشان می‌دهد که برخلاف دو عامل تحصیلات و سن، عامل جنسیت به تنهایی و در تعامل با دیگر عوامل نمی‌تواند منجر به تفاوت معناداری در رفتار زبانی افراد مصاحبه‌شونده در ارتباط با به کارگیری ضمیرهای کردی (یا وام‌واژه معادل فارسی آن‌ها) قلمداد شود.

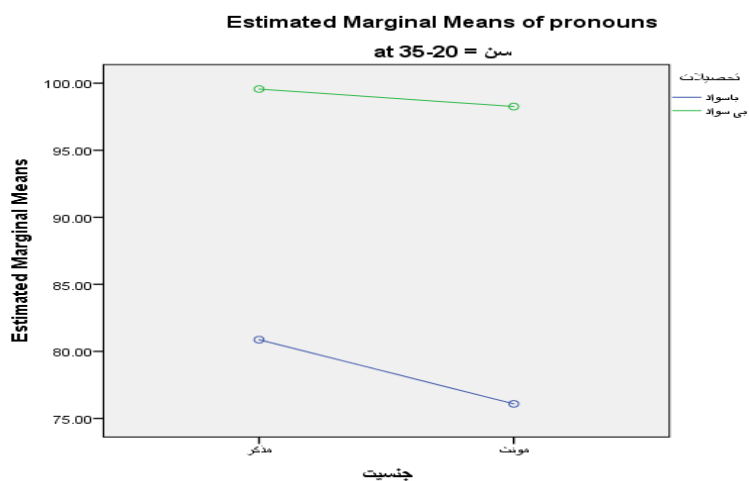
#### جدول ۴: آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌عاملی برای ضمیرها<sup>۱</sup>

منبع	نوع ۳ (مجموع مربعات)	درجه آزادی	نمره میانگین	فراوانی	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	6472.590 <sup>a</sup>	7	924.656	27.217	.000
عرض از مبدا	663746.692	1	663746.692	19536.927	.000
جنسیت	23.629	1	23.629	.696	.407
تحصیلات	5603.970	1	5603.970	164.949	.000

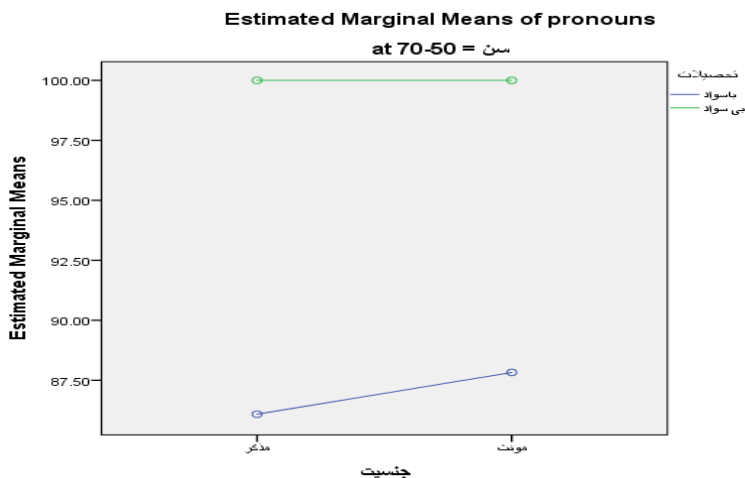
<sup>۱</sup> a. ضریب تعیین = ۷۲۶. (ضریب تعیین تطبیق شده = ۶۹۹)

منبع	نوع ۳ (مجموع مربعات)	درجه آزادی	نمره میانگین	فراوانی	سطح معناداری
سن	457.467	1	457.467	13.465	.000
جنسیت*	3.781	1	3.781	.111	.740
تحصیلات	76.560	1	76.560	2.253	.138
جنسیت* سن	273.157	1	273.157	8.040	.006
تحصیلات* سن	34.026	1	34.026	1.002	.320
خطا	2446.125	72	33.974		
مجموع	672665.406	80			
مجموع	8918.715	79			
تصحیح شده					

جزئیات جدول (۳) در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت. برای روشن شدن ارتباط بین متغیرهای تحصیلات، سن و جنسیت، نمودارهای زیر ارائه شده‌اند تا ما در جریان رفتار زبانی افراد مصاحبه‌شونده قرار بگیریم. دو نمودار (۷) و (۸) بر روی عامل جنسیت متمرکز هستند.



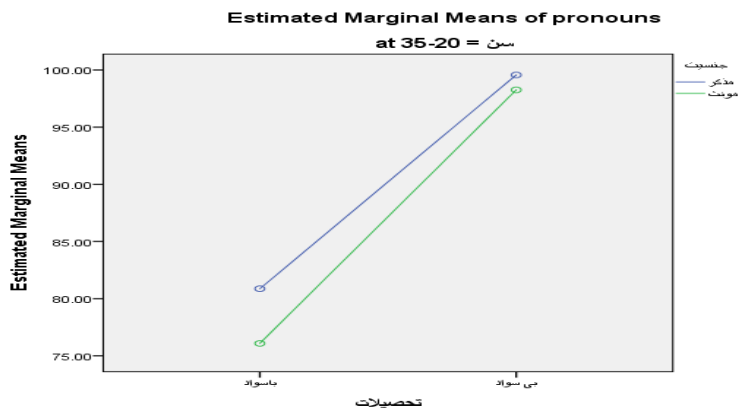
شکل ۷: مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد و بی‌سواد) مسن در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری



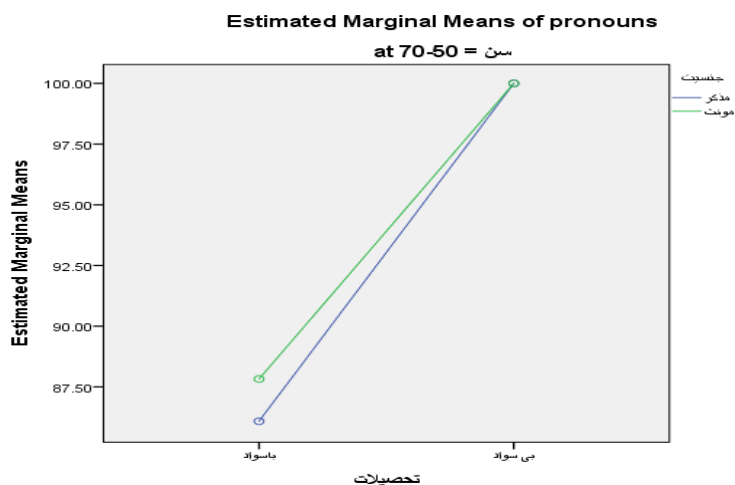
**شکل ۸: مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد و بی سواد) مسن در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری**

هر دو نمودار بالا نشان می دهند که افراد بی سواد (خط های سبز) با اختلاف تاندازه بسیاری نسبت به افراد با سواد (خط های آبی) میزان بالاتری از ضمیرهای بومی را به کار می برند. ولی در ارتباط با جنسیت، نمودار (۷) نشان می دهد که هم در افراد با سواد (خط آبی) و هم در افراد بی سواد جوان شاهد تفاوت آشکاری بین گروه ها نیستیم. به بیانی، بدون توجه به عامل جنسیت، زنان و مردان بی سواد جوان تقریباً عملکرد یکسانی دارند (افقی بودن خط های سبز تأیید کننده این موضوع است)، هر چند که در افراد با سواد جوان، مردان اندکی بیش از زنان از ضمیرهای بومی بهره گرفته اند. به همین ترتیب، در افراد مسن نیز شاهد الگوی مشابهی هستیم، با این تفاوت که در این جا زنان با سواد مسن نسبت به مردان با سواد مسن اندکی بیشتر از ضمیرهای کردی استفاده نموده اند. شاید بتوان این موضوع را به حضور اجتماعی مردان و تعاملات بیشتر آنها نسبت داد. با این حال، باید بدانیم که به صورت کلی میزان بهره گیری از ضمیرهای کردی به وسیله گروه های هشت گانه بسیار زیاد است و تنوع های اندک را می توان به سه عامل جنسیت، سن و تحصیلات نسبت داد. در ارتباط با تأثیر جنسیت، از آن جایی که  $(P = .407)$  است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که این عامل نه به تنهایی و نه در تعامل به دیگر عوامل  $(P = .138, P = .740)$  منجر به تفاوت آماری معنادار در بین افراد نشده است. به بیانی، از جنبه جنسیت، افراد تفاوت چندانی با هم ندارند و احتمالاً می توان تنوع های به دست آمده از به کارگیری ضمیرهای کردی (یا فارسی) در زبان کردی کلهری را به عواملی مانند تحصیلات و سن نسبت داد. دو نمودار (۹) و (۱۰) بر روی

تأثیر احتمالی عامل تحصیلات در به‌کارگیری ضمیرهای کردی (یا فارسی) در کردی کلهری متمرکز شده‌اند.



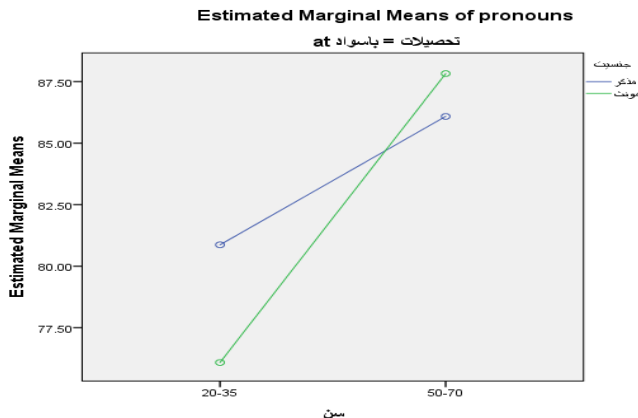
نمودار شکل ۹: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد و بی‌سواد جوان در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری



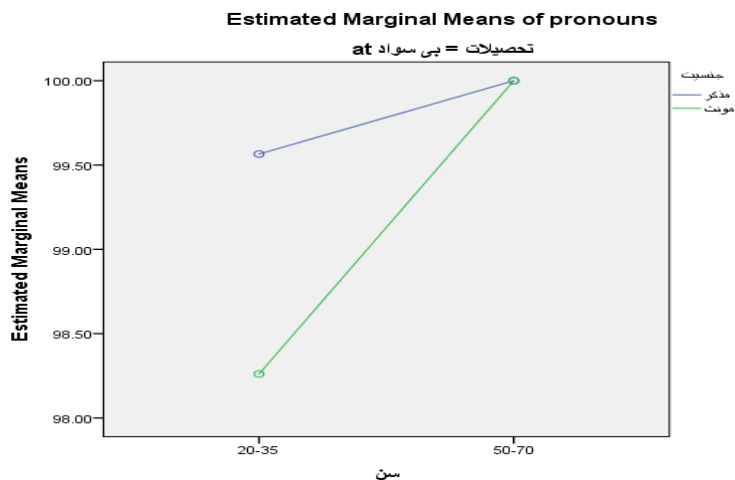
شکل ۱۰: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد و بی‌سواد مسن در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری

همان‌گونه که جدول (۳) نشان داد میزان به‌کارگیری ضمیرهای کردی بسیار زیاد است. زنان جوان تحصیلکرده کمترین میزان بهره‌گیری از ضمیرها را نشان می‌دادند (۷۶.۰۹ درصد) که این هم در مقایسه، میزان بسیار زیادی است. در دو نمودار (۷) و (۸) دیده شد که عامل جنسیت نقش مهمی در توجیه تنوع‌های (تاندازه‌ای اندک) موجود ندارد. شیب تاندازه‌ای تند خط‌های سبز و

آبی در نمودارهای (۹) و (۱۰) نشان می‌دهد که هم در زنان و هم در مردان، عامل تحصیلات نقش پررنگی دارد. نکته نخست، در ارتباط با این دو نمودار این است که در افراد جوان، مردان از زنان بیشتر از ضمیرهای بومی استفاده کرده‌اند (بالا تر بودن خط آبی نسبت به خط سبز تأیید کننده این مطلب است)، در حالی که در افراد مسن، زنان از مردان بیشتر از ضمیرهای بومی استفاده کرده‌اند. همان گونه که پیش تر اشاره شد این تفاوت را شاید بتوان به نقش اجتماعی پررنگ تر مردان در جامعه نسبت داد. ولی در ارتباط با تحصیلات، هر دو نمودار نشان می‌دهند که افراد بی سواد نسبت به هم‌تایان باسواد خود از میزان بالاتری از ضمیرهای کردی بهره گرفته‌اند. در مقابل، افراد باسواد به سبب تماس زبانی با فارس‌زبانان نسبت به افراد بی سواد از میزان بیشتری از ضمیرهای فارسی در تعاملات زبانی روزمره خود بهره می‌گیرند. جدول (۴) نشان می‌دهد که عامل تحصیلات هم به تنهایی ( $P=0.000$ ) و هم در تعامل با عامل سن ( $P=0.006$ ) می‌تواند عامل مهمی در چگونگی و میزان به کارگیری ضمیرها قلمداد گردد. البته از دید نگارندگان، عامل تماس زبانی از عامل تحصیلات مهم تر است و تحصیلات فقط ابزاری است برای تماس زبانی. به بیان دیگر، زبان فارسی به سبب اینکه زبان آموزش در کشور به شمار می‌آید، بنابراین به تماس زبانی افراد باسواد کردزبان با فارس زبان می‌انجامد. به همین سبب، اگر افراد بی سواد به مناطق فارس زبان مهاجرت نمایند، الگوی استفاده از ضمیرهای بومی (هنگام سخن گفتن به کردی) در این افراد با افراد مصاحبه شونده در این پژوهش که همگی ساکن در مناطق بومی خود هستند تفاوت خواهد داشت. در ادامه نمودارهای (۱۱) و (۱۲) تأثیر عامل سن در میزان و چگونگی به کارگیری ضمیرهای بومی کردی یا ضمیرهای وارداتی فارسی را در گویش کردی جنوبی مورد بررسی قرار داده‌اند.



شکل ۱۱: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن باسواد در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری



شکل ۱۲: مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن بی‌سواد در میزان کاربرد ضمیرهای کردی کلهری

عامل سن نقش انکارناپذیری در تنوع‌های زبانی دارد. دو نمودار بالا آشکارا نشان می‌دهند که افراد مسن (باسواد/بی‌سواد) نسبت به افراد جوان به نسبت از میزان بالاتری از ضمیرهای بومی کردی بهره گرفته‌اند. در این نمودارها، تندبودن شیب خطوط سبز نشان‌دهنده تفاوت بیشتر بین زنان جوان و مسن در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد است. به بیان دیگر، زنان جوان بیشترین تفاوت را (در چگونگی و میزان به کارگیری ضمیرهای بومی) با هم‌تایان مسن خود دارند. همچنین، نمودار (۱۱) نشان می‌دهد که زنان باسواد جوان نسبت به مردان باسواد جوان از میزان کمتری از ضمیرهای بومی بهره گرفته‌اند، در مقابل زنان باسواد مسن نسبت به مردان باسواد مسن میزان بیشتری از ضمیرهای بومی بهره گرفته‌اند. جدول (۴) نشان می‌دهد که عامل سن هم به تنهایی ( $P=0.000$ ) و هم در تعامل با عامل تحصیلات ( $P=0.006$ ) دارای نقش مهمی در چگونگی و میزان بهره‌گیری از ضمیرهای کردی (یا ضمائر وارداتی فارسی) در گروه‌های هشت‌گانه مورد بررسی است. عامل سن با نقش اجتماعی افراد مرتبط است. به بیان دیگر، گروه‌های سنی مختلف ذاتاً دارای نقش‌های اجتماعی متفاوتی هستند که منجر به بروز رفتارهای زبانی متفاوتی می‌گردد. به نظر می‌رسد که مردان باسواد مسن نسبت به زنان باسواد مسن نقش اجتماعی پررنگ‌تری دارند که به تماس زبانی بیشتر با فارس‌زبانان می‌انجامد که خود عاملی است برای بهره‌گیری بیشتر از ضمیرهای وارداتی از زبان فارسی. در مقابل در زنان باسواد جوان به نظر می‌رسد عامل پرستیژ اجتماعی نقش مهم‌تری بر عهده دارد، چراکه هر دو گروه به یک اندازه حضور اجتماعی و تماس زبانی دارند و بنابراین

تماس زبانی نمی‌تواند این تفاوت را توجیه نماید. زنان و به‌ویژه زنان جوان بیشتر به عامل پرستیژ اجتماعی توجه دارند و یکی از جلوه‌های این موضوع در به‌کارگیری زبان غالب یا دست‌کم استفاده از عناصری از این زبان در زبان بومی نمود می‌یابد. بنابراین، دو عامل تماس زبانی که ناشی از میزان تعاملات اجتماعی است و همچنین عامل پرستیژ اجتماعی در زنان جوان و مسن منجر به بروز رفتارهای زبانی متفاوتی گردیده‌است. زنان مسن (نسبت به مردان سن) به‌سبب تماس زبانی کمتر از میزان کمتری از ضمیرهای وارداتی فارسی در کردی کلهری استفاده می‌کنند و زنان جوان به سبب توجه به جنبه‌های اجتماعی زبان (برای نمونه پرستیژ اجتماعی) از میزان بیشتری از ضمیرهای فارسی (به‌عنوان زبان غالب) بهره می‌گیرند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

تماس زبانی بین دو زبان غالب و پذیرا دارای پیامدهای فراوانی برای زبان‌های درگیر به‌ویژه برای زبان پذیرا خواهد بود. وام‌گیری و تغییر ساختار دستوری و واژگانی از جمله پیامدهای تماس زبانی هستند. پژوهش حاضر برای بررسی تأثیر این موضوع در میزان به‌کارگیری حروف اضافه و ضمیرها زبان غالب در کردی کلهری انجام گرفته‌است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در کردی کلهری مقاومت تا اندازه‌ی بسیاری در برابر ورود ضمیرها و حروف اضافه فارسی وجود دارد. همچنان‌که دیدیم، گویشوران کردی کلهری در گروه‌های مختلف اجتماعی (گروه‌های هشت‌گانه) به‌طور متوسط بین ۸۲.۷ تا ۱۰۰ درصد از حروف اضافه بومی بهره گرفته‌اند. به‌بیان‌دیگر، زنان جوان باسواد بیشترین میزان کاربرد حروف اضافه فارسی (۳.۱۷ درصد) را هنگام گفت‌وگو به زبان کردی داشته‌اند، هرچند آن‌ها نیز بیشتر از حروف اضافه کردی بهره گرفته‌اند (۸۲.۷ درصد).

در ارتباط با میزان بهره‌گیری از ضمیرهای بومی و وام‌واژه‌های فارسی معادل نیز تا اندازه‌ای شاهد چنین الگویی هستیم. زنان جوان باسواد به میزان ۸۷.۰۸ درصد از ضمیرهای بومی کردی استفاده کرده‌اند و در مقابل فقط در ۱۹.۹۲ درصد از موارد از ضمیرهای فارسی بهره گرفته‌اند که این میزان در بین ۸ گروه مورد بررسی بیشترین درصد نیز در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با وجود تنوع‌های دیده‌شده در ۸ گروه بررسی‌شده، روی هم‌رفته میزان بهره‌گیری از ضمیرها و حروف اضافه فارسی در کردی کلهری محدود است. این یافته‌ها با آنچه کوتسم (Van Coetsem, 1988) «درجه‌بندی ثبات زبانی» می‌نامد همخوانی دارد. در مقابل، وینفورد (Winford, 2010) با گمان وجود محدودیت‌ها در انتقال عناصر نقشی و دستوری، بر این باور است که برخی تکواژهای نقشی آزاد مانند عبارات‌های ربطی، حروف اضافه، ضمیرها و حتی

متمم‌نماها به آسانی قابلیت انتقال دارند. یافته‌های پژوهش حاضر این ادعا را تأیید نمی‌کند. همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری تأکید شد، به سبب اینکه ضمیرها و حروف اضافه متعلق به مجموعه‌های بسته هستند، احتمال انتقال آن‌ها در تماس بین زبان‌ها کم می‌شود. تعلق اقلام زبانی به مجموعه‌های باز یا بسته می‌تواند بر روی میزان وام‌گیری آن‌ها تأثیرگذار باشد. پیوستگی ساختاری مقوله‌های بسته سبب می‌شود که وام‌گیری آن‌ها به سختی انجام شود. براین اساس، میوسکن (Muysken, 1981) سلسله‌مراتب وام‌گیری را پیشنهاد نموده‌است که یافته‌های پژوهش حاضر با پیش‌بینی این سلسله‌مراتب همخوانی دارد. موضوع مهم دیگر رده زبانی دو زبان غالب (فارسی) و زبان پذیرا (کردی) است. تعلق این دو زبان به یک خانواده زبانی (زبان‌های ایرانی) می‌تواند سبب آسان‌شدن وام‌گیری شود. شاید بتوان میزان تاندازه بالای بهره‌گیری برخی گروه‌ها از ضمیرها و حروف اضافه فارسی در کردی (زنان و مردان باسواد) را به این عامل نسبت داد. این مفهوم در مبحث‌های زبانی، فاصله رده‌شناختی نامیده شده‌است. وینفورد (Winford, 2010) فاصله رده‌شناختی<sup>۱</sup> زبان‌های درگیر را عامل دیگری می‌انگارد که ممکن است سبب آسان‌شدن یا انسداد وام‌گیری شود. براین اساس، زبان‌هایی که از جنبه رده‌شناختی به هم نزدیک هستند بیشتر از همدیگر وام می‌گیرند در مقایسه با زبان‌هایی که از جنبه رده‌شناختی هم‌خانواده نیستند.

با وجود میزان تاندازه‌ای اندک بهره‌گیری از ضمیرها و حروف اضافه زبان غالب فارسی در کردی کلهری (بین ۰ تا ۱۷.۳ درصد در گروه‌های مختلف)، نمی‌توان انکار کرد که به هر حال گویشوران کردی کلهری بسته به زمینه اجتماعی خود تحت تأثیر فشارهای اجتماعی (مانند موضوع پرستیژ اجتماعی) ممکن است در شرایطی از برخی ضمیرها و حروف اضافه فارسی بهره‌گیرند. همچنان‌که یافته‌های پژوهش نشان داد زنان باسواد جوان بیشترین میزان بهره‌گیری از ضمیرها و حروف اضافه فارسی را در بر می‌گرفتند. بی‌گمان، وام‌گیری صورت‌های زبانی می‌تواند متأثر از عوامل اجتماعی باشد. وینفورد (Winford, 2010) عامل اجتماعی پرستیژ را در وام‌گیری دخیل می‌داند. از دیدگاه اجتماعی، گویشوران زبان‌های بومی، حتی با وجود واژگان مناسب در زبان خود، تمایل دارند از واژگان زبان غالب برای نشان‌دادن پرستیژ اجتماعی بهره‌برند (Winford, 2010). از سوی دیگر، توجه بیشتر زنان جوان به نقش اجتماعی زبان و آنچه به پرستیژ آشکار موسوم است می‌تواند این میزان تاندازه‌ای بالا از استفاده از ضمیرها و حروف اضافه زبان غالب را توجیه نماید. عامل مؤثر دیگر، میزان تعامل و تماس شدید دو زبان غالب و پذیرا است. افراد دوزبانه گروه‌های مختلف اجتماعی به یک اندازه با زبان غالب در تماس نیستند. افراد

<sup>1</sup> typological distance



جوان تحصیل کرده (بدون توجه به جنسیت) نسبت به افراد مسن بی سواد (یا کم سواد) با توجه به نقش اجتماعی خود ارتباط و تماس بیشتری با گویشوران زبان غالب (زبان فارسی) دارند. به همین سبب، میزان تأثیرپذیری این افراد از زبان فارسی و بهره گیری بیشتر آن‌ها از ضمیرها و حروف اضافه زبان غالب موجه به نظر می‌رسد. در همین زمینه، وینفورد (Winford, 2010) الگوی تعامل اجتماعی بین گروه‌ها، میزان و شدت دوزبانگی در جامعه، روابط قدرت، طبقه اجتماعی، زمینه تحصیلی و نگرش اجتماعی گویشوران به زبان‌های مورد استفاده را در وام‌گیری مؤثر می‌داند.

### فهرست منابع

ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۵). «تأثیر تماس زبانی بر ویژگی‌های صرفی و نحوی گویش تاتی رودبار». *مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۷۶.

<https://doi.org/20.1001.1.65852476.1395.1.2.8.8>

حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۹). «سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی». *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۸، شماره ۲، صص ۳۹-۵۹.

<https://doi.org/10.22126/jlw.2019.4424.1334>

فریدونی، جاوید و شیما زردی (۱۴۰۲). «تأثیر جنسیت، سن و تحصیلات بر نگرش زبانی بین کردزبانان مهاباد با رویکرد آزمون تطابق‌گوینده». *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۵، شماره ۴۹، صص ۸۳-۹۶.

<https://doi.org/10.22051/jlr.2023.45109.2355>

گوهری، حبیب و شهرام جمالی نصاری (۱۳۹۹). «میزان وام‌گیری در مقولات واژگانی اصلی براساس رویکرد سلسله‌مراتب وام‌گیری در کُردی کلهری (با تمرکز بر متغیرهای جنسیت، تحصیلات و سن)». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۰.

<https://doi.org/10.22108/JRL.2020.120997.1445>

### References

- Fereidoni, J., & Zardi, S. (2024). The Impact of Gender, Age, and Education on Language Attitudes Among Kurdish Speakers in Mahabad: A Matched-Guise Approach. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 15(49), 83-96. <https://doi.org/10.22051/jlr.2023.45109.2355> [in Persian]
- Gowhary, H., & Jamali Nesari, S. (2020). ILexical Borrowing Hierarchies in Kolhari Kurdish: Gender, Age and Educational Background. *Journal of Researches in Linguistics*, 12(1), 87-110. <https://doi.org/10.22108/jrl.2020.120997.1445> [in Persian]
- Heidari, A. (2020). The Borrowing Hierarchy of Azerbaijani from Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8(2), 29-59. <https://doi.org/10.22126/jlw.2019.4424.1334> [in Persian]
- Izadifar, R. (2016). The influence of language contact on the morphological and syntactic characteristics of the Rudbari dialect of Tati. *Persian Language and Iranian Dialects*, 1(2), 161-176.

- <https://doi.org/20.1001.1.65852476.1395.1.2.8.8> [in Persian]
- Muysken, P. (1981). Halfway between Quechua and Spanish: the case for relexification. In Arnold Highfield and Albert Valdman (Eds.), *Historicity and Variation in Creole Studies* (pp. 52–78). Ann Arbor: Karoma.  
<https://hdl.handle.net/2066/14531>
- Thomason, S.G. & Kaufman, T. (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. USA: University of California Press.  
<https://doi.org/10.2307/482559>
- Van Coetsem, F. (1988). *Loan Phonology and the Two Transfer Types in Language Contact*. Dordrecht: Foris. <https://lib.ugent.be/en/catalog/rug01:000148857>
- Van Coetsem, F. (2000). *A General and Unified Theory of the Transmission Process in Language Contact*. Heidelberg: Winter. <https://www.amazon.de/General-Transmission-Language-Monographien-Sprachwissenschaft/dp/3825310795>
- Winford, Donald (2010). Theories of Language Contact. In A. P. Grant (Ed.), *The Oxford Handbook of Language Contact* (online ed., Oxford Academic, 5 Feb. 2020). Oxford University Press.  
<https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199945092.013.2>

